

اکنون و آینده ما منتشر شد

تامل در تجدد و توسعه

دم بی امتیازی به اموری همانند آموزش و پرورش، پژوهش و مدیریت، اخلاق عمومی و همچنین مسائل مهمی نظیر سیاست و فرهنگ است. همین مهم به درجات دیگری در سه کتاب «خرد سیاسی در زمان توسعه‌نیافتگی»، «علم، اخلاق و سیاست» و «فلسفه و آینده‌نگری» هم به چشم می‌خورد که می‌تواند حاکی از آغاز یک دوره فکری جدید نزد رضا داوری اردکانی باشد. اما به کتاب «اکنون و آینده ما» بازگردیم و فهرست مقاله‌های مختلف آن را بازخوانی کنیم.

طرح بحث و نقد
نخستین مقاله کتاب درباره نقد «تام دارد که در آن با توجه به تاریخ تجدد و طرح نقد به مثابه فلسفایخت، دیدگاه فلسفه‌محور درباره نقد و رویکرد فیلسوف در نقد توضیح داده می‌شود. دومین مقاله کتاب درباره دانش‌گاه نام دارد که در آن با سلیخ نظر داشتین علم و فرهنگ و مهم‌تر از آن تاریخ توسعه، روایتی

کتاب «اکنون و آینده ما» مجموعه ۱۴ مقاله است که اکثر آنها گزارش‌هایی از وضع کنونی تفکر و علم و فرهنگ و نظام علمی-آموزشی و اخلاق در ایران معاصر است. رضا داوری اردکانی مطابق معمول دودهمه اخیر در این کتاب نیز به وضع توسعه و نسبت آن با تجدد نظر داشته است. به عبارت دیگر می‌توان گفت این کتاب همانند دیگر کتاب‌های ۲۰ سال اخیر او دعوت به تامل در امور است؛ تاملی که نزد داوری اردکانی با انصاف فکری، روان‌آری و اعتدال همراه است. مجموعه مباحث کتاب اگرچه از ایجاز و ابهام برخوردار است، اما کوششی ارزشمند



حامد زارع

دبیر گروه اندیشه



کتاب روز

تامل در تجدد و توسعه

رضا داوری اردکانی در دهه نهم همچنان فعالانه مشغول خواندن و نوشتن است و تامل و تذکر را رها نکرده است. این توجه قابل ستایش داوری اردکانی که به طرح مسائل و سوالاتی متعددی درباره نسبت‌های پیچیده کشور و جامعه ما با تجدد و توسعه منجر شده است، مسیّب به بار نشستن پروژه‌های تالیفی و کتاب‌های خواندنی و آموختنی نیز شده است. کتاب «اکنون و آینده ما» یکی از خواندنی‌ترین و آموختنی‌ترین کتاب‌هایی است که رئیس فرهنگستان علوم ایران در سال‌های اخیر نوشته است.

طرح مسئله و پرسش

این کتاب مجموعه چهارده مقاله است که اکثر آنها گزارش‌هایی از وضع کنونی تفکر و علم و فرهنگ و نظام علمی-آموزشی و اخلاق در ایران معاصر است. رضا داوری اردکانی مطابق معمول دو دهه اخیر در این کتاب نیز به وضع توسعه و نسبت آن با تجدد نظر داشته است. به عبارت دیگر می‌توان گفت این کتاب همانند دیگر کتب بیست سال اخیر او دعوت به تامل در امور است. تاملی که نزد داوری اردکانی با انصاف فکری، روان‌آری و اعتدال همراه است. مجموعه مباحث کتاب اگرچه از ایجاز و ابهام برخوردار است، اما کوششی ارزشمند و مهم‌ترین فرازهای کتاب حاضر ناظر به تجدد و به عبارت صحیح‌تر تاریخ تجددآمیزی ما ایرانیان است که در وضعی پیچیده ایران را در میانه وضعیت‌های مشابه کشورهای در حال توسعه و همچنین کشورهای توسعه‌یافته نگاشته شده است. این نگارش از این رو که نه تکرار تحلیل‌های مدرن است و نه مشابه رونوشت‌های روشنفکران وطنی، ارزش تدقیق و توجه وافر دارد. داوری اردکانی با کلان‌دیدن جایگاه تجدد در جهان معاصر معتقد است: «تجربه‌ی چهار ساله من این است که فهم تجدد برای ما امری

بسیار دشوار است و شاید یکی از دشواری‌هایش این باشد که چون روح غالب بر جهان است نمی‌گذارد شناخته شود و اکنون که خرد تجدد در غرب و در سراسر روی زمین رو به ادبار دارد، عجب نیست که کار توسعه در جهان در حال توسعه دشوار تر شده باشد» این بخش از نوشتار داوری اردکانی در مقدمه کتاب به خوبی نشان‌دهنده رویکرد فیلسوف ایرانی در کتاب حاضر است. رویکردی که گاه، موجبات مخالفت برخی از نویسندگان و پژوهندگان علوم انسانی را در پی دارد. بعضی معتقدند که چرا و به چه دلیل باید در باب توسعه و تجدد پرسش به میان کشید و نسبت علوم انسانی و توسعه را با طرح چندین مسئله صورتبندی کرد؟ ادله آنان نیز ناظر به طرح این پرسش‌ها و مسائل در پیش از ایران معاصر در غرب دوره جدید است. اما پاسخ رئیس فرهنگستان علوم ایران به این نقد چیست؟ او بر آن است که مسائل علم و عمل و اخلاق و سیاست و اقتصاد در همه جای جهان یکسان طرح و حل نمی‌شوند و دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی باید این تفاوت‌ها را مورد بررسی قرار دهند. نباید از یاد برد که طرح مسئله‌های داوری اردکانی در دو دهه اخیر را نه تنها نمی‌توان تکرار متفکران غربی دانست، بلکه باید آن را یکی از بدیع‌ترین وجوه توجه به تجدد و اجتهاد در مسائل و مباحث معطوف به آن نامگذاری کرد. داوری اردکانی در مقدمه همین کتاب به نحوی عالمانه می‌نویسد: «مسائل علوم انسانی و اجتماعی را اگر درست مطرح کنیم، مسائل تازه هستند و راه حل تازه نیز دارند. اما وقتی بی مسئله ایم یا با مسائل انتزاعی سرگرم هستیم و حرف دیگران را تکرار می‌کنیم، آن حرف‌ها حتی اگر در جای خود بسیار مهم باشند، تکراری و تقلیدی اند.» گذشته از خط روشن نقد جریان‌های روشنفکری که در همین بریش کوتاه نقل شده از مقدمه کتاب قابل رصد است، آنچه در کلیت مقدمه به مثابه دیباچه کتاب برجسته و حائز اهمیت است، عزم داوری اردکانی و توجه فیلسوفانه او به شرایط و امکان‌های تحقق سیاست و فرهنگ، بدون اعلان نظر به ایدئولوژی و نقد و ذم بی‌اعتنایی به اموری همانند آموزش و پرورش، پژوهش و مدیریت، اخلاق عمومی و همچنین مسائل مهمی نظیر سیاست و فرهنگ است. همین مهم به درجات دیگری در سه کتاب «خرد سیاسی در زمان توسعه نیافتگی»، «علم، اخلاق و سیاست» و «فلسفه و آینده نگری» هم به چشم می‌خورد که می‌تواند حاکی از آغاز یک دوره فکری جدید نزد رضا داوری اردکانی باشد. اما به کتاب «اکنون و آینده ما» بازگردیم و فهرست مقاله‌های مختلف آن را بازخوانی کنیم.

طرح بحث و نقد

نخستین مقاله کتاب «درباره نقد» نام دارد که در آن با توجه به تاریخ تجدد و طرح نقد به مثابه شناخت، دیدگاه فلسفه محور درباره نقد و رویکرد فیلسوف در نقد توضیح داده می‌شود. دومین مقاله کتاب «درباره دانشگاه» نام دارد که در آن با مطرح نظر داشتن علم و فرهنگ و مهمتر از آن تاریخ توسعه، روایتی از جایگاهی که دانشگاه باید در ایران به مثابه یک جامعه در حال توسعه داشته باشد ارائه می‌شود. عنوان مقاله سوم «ملاحظات اجمالی درباره تعلیم و تربیت و مقام معلم» است و مباحثی نظیر وظیفه و شغل معلمی، نشان معلم و مدرسه در جامعه، تغییر ماهیت علم در دوره جدید، نهاد تعلیم و تربیت در دوره جدید، نظام آموزشی جدید، امکان‌های تعلیمی و طلب تفکر مطرح می‌شود. عنوان مقاله چهارم «گفتار در ضرورت و اولویت نظام اداری و آموزشی» است و به مسائلی مثل وضع کنونی مدیریت و آموزش، بوروکراسی و کارمندی‌پروری، مخاطرات سازمان اداری، ضعف برنامه ریزی و آینده نگری پرداخته می‌شود. «فرهنگستان علوم و آینده اش» مقاله‌ای دو بخشی است که بخش پنجم و ششم کتاب را شکل می‌دهد. «اخلاق مهندسی» نام مقاله هفتم است که در آن با طرح مسئله نسبت میان مردم زمانه و تکنیک و همچنین توضیح تفاوت نگرش دانشمندان به طبیعت در دوره قدیم و جدید، به تبیین اخلاق مهندسی در زمانه و اندیشه پست مدرن پرداخته می‌شود. «گفتار در عقل، طبیعت و قانون» نام مقاله هشتم است که در آن با بررسی نسبت میان علم و طبیعت در فلسفه قدیم و جدید، درباره نتایج غیاب طبیعت طرح عالم و زندگی زمان هشدار داده می‌شود. نهمین مقاله کتاب «مقام

عقل و نقل در سیر و بسط تاریخ ایران» و دهمین مقاله «فلسفه در عالم اسلام، ایدئولوژی و آینده ما» نام دارد و متکفل پردازش مسائلی از تاریخ اندیشه فلسفی ایران و اسلام است که ضمن تذکر نظام و ترتیبات عقلی منقولات در تمدن اسلامی، بر فضل تقدم خرد فلسفی تاکید شده است. داوری اردکانی در مقاله دهم ضمن محاجه و محاکا با مدعیات عابدالمجایری، از سریشیت و سرنوشت تفکر عقلانی در شرق تمدن اسلامی دفاع می کند. عنوان مقاله یازدهم کتاب «نقد فلسفه در ایران و آینده» است که در آن با روایت کوتاهی از نحوه آشنایی ایرانیان با فلسفه های جدید غربی، ضمن نایاب توصیف کردن نقادی فلسفی و زبان انتقادی، حجاب ایدئولوژی به مثابه یکی از موانع مهم نقد فلسفی معرفی می شود. عنوان مقاله دوازدهم کتاب «وضع فلسفه و علوم انسانی در کشور و آینده ما» است که در آن با محوریت تحول علوم اجتماعی طرح بحث شده است. اما مقاله های «ما آینده خودمانیم» و «گفتاری در آینده نگری، آینده نگاری و برنامه ریزی» به عنوان دو مقاله پایانی کتاب ناظر به یک موضوع مشترک است. در این دو مقاله که به موضوع پرمناقشه آینده نگری می پردازد، نه تنها به موضوعات مهم و دشواری نظیر آگاهی از زمان، آگاهی تاریخی، زمان تاریخی و تصرف در زمان پرداخته می شود، بلکه آینده نگاری به مثابه دانش شناخت امکان ها و درک نظم متحقق در آینده مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.